



انتشارات  
دانشگاه  
کردستان

سید عبدالحمید حیرت سجادی

# ایلات و عشایر کردستان

# ایلات و عشایر کردستان

مؤلف

سید عبدالحمید حیرت سجادی



انتشارات  
دانشگاه  
کردستان

سرشناسه: حیرت سجادی، عبدالمجید، ۱۳۰۷-  
عنوان و نام پدیدآور: ایلات و عشایر کردستان / سید عبدالحمید  
حیرت سجادی.  
مشخصات نشر: سنندج: دانشگاه کردستان، انتشارات، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۴۰۹ ص  
وضعیت فهرست نویسی: قیفا  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۲-۴۰-۹  
موضوع: ایلات و عشایر- ایران- کردستان- کردان- ایران-  
Kurdistan-Iran-Nomads--Kurdistan (Iran: Province)-  
History  
شناسه افزوده: دانشگاه کردستان، انتشارات  
رده‌بندی کنگره: DSR72  
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۹۸۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۵۱۷۷

## ایلات و عشایر کردستان

مؤلف: سید عبدالحمید حیرت سجادی  
ویراستار: سید برهان تفسیری  
طراح گرافیک و ناظر چاپ: کورش عنبری  
صفحه‌آرایی: آرزو انصاری  
ناشر: انتشارات دانشگاه کردستان  
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۲-۴۰-۹  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان



انتشارات  
دانشگاه  
کردستان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

# فهرست

## مقدمه اول

ز	مقدمه اول
ض	مقدمه دوم
غ	مقدمه ویراستار

## فصل اول: کردها در گذر تاریخ

۱	۱- مآدا
۲	۲- کردها در دوران هخامنشی
۳	۳- کردها در عهد سلوکی و اشکانی
۴	۴- کردها در زمان ساسانیان
۶	۵- قرون اولیه اسلامی: کردهای پارس
۸	۶- کردستان از ظهور اسلام به بعد

## فصل دوم: سرگذشت کردستان و مردم آن

۱۳	۱- پیش‌درآمدی تاریخی
۱۴	۲- کرد و زبان
۱۶	۳- اخلاق در میان کردها
۲۰	۴- مهمانداری عشایر کرد
۲۳	۵- شجاعت کردها
۲۳	۶- مقام و شخصیت زن در میان کردها
۲۴	۷- دختر‌گرد
۳۰	۸- رشد تشیع در میان ایلات و عشایر
۳۳	۹- ایلات کرد به‌طور مطلق در مناطق کردنشین

### فصل سوم: جغرافیای توصیفی کردستان

- ۳۹  
 ۴۱ -۱- اوضاع جغرافیایی کردستان اردلان  
 ۴۴ -۲- جمعیت  
 ۴۵ -۳- شهر سنندج  
 ۴۵ -۴- کوه‌های کردستان  
 ۴۸ -۵- منابع آب

### فصل چهارم: دین

- ۵۵  
 ۵۶ -۱- دین  
 ۵۶ -۲- مذهب  
 ۵۷ -۳- سیر عرفان و تصوف در ایران  
 ۵۸ -۴- سلسله‌های تصوف در کردستان  
 ۶۰ -۵- دیانت و معتقدات کردها  
 ۶۰ -۶- قدرت و نفوذ شیوخ در میان کردها  
 ۶۲ -۷- مشایخ: مؤثر در آرامش سرحدات / در خدمت مردم

### فصل پنجم: حکام کردستان اردلان

- ۶۹  
 ۷۰ -۱- بنی اردلان  
 ۷۲ -۲- تاریخ اردلان قبل از صفویه  
 ۷۳ -۳- خاندان اردلان در دوره صفویه  
 ۷۵ -۴- حکام اردلان در دوره افشاریه  
 ۷۶ -۵- حکام اردلان در دوره زندیه  
 ۷۷ -۶- حکام اردلان در دوره قاجاریه  
 ۷- حکومت شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۲۸۴-  
 ۸۳ (ق. ۱۲۹۱ ه. ق)  
 ۸۵ -۸- مرحوم حاج فخرالملک  
 ۹۱ -۹- مقایسه رفتار حکام اردلانی با معتمدالدوله فرهاد میرزا  
 ۹۵ -۱۰- حکام کردستان پس از شاهزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا

### فصل ششم: عشایر و ایلات و طوایف کرد

- ۱۰۰ -۱- سکنه و ایلات کردستان  
 ۱۰۱ -۲- فهرست ایلات و طوایف کرد و مشخصات هر یک از آنها

۱۱۷ **فصل هفتم: عشایر و طوایف دیواندره**

- ۱۱۸ ۱- اوضاع عمومی دیواندره  
۱۲۱ ۲- عشایر و طوایف دیواندره  
۱۳۵ ۳- تاریخچه مختصری از سوابق هر طایفه  
۱۴۰ ۴- اسناد عشایری دیواندره

۱۴۹ **فصل هشتم: عشایر و طوایف سقز**

- ۱۵۱ ۱- اوضاع عمومی سقز  
۱۵۳ ۲- طوایف و عشایر سقز

۱۸۵ **فصل نهم: عشایر و طوایف بانه**

- ۱۸۶ ۱- اوضاع عمومی بانه  
۱۸۷ ۲- عشایر منطقه بانه

۱۹۷ **فصل دهم: عشایر و طوایف مریوان**

- ۱۹۸ ۱- جغرافیای توصیفی شهرستان مریوان  
۲۰۳ ۳-۱- جنگل‌ها و مراتع  
۲۰۷ ۲- عشایر منطقه مریوان

۲۲۵ **فصل یازدهم: عشایر و طوایف اورامان (هورامان) و جوانرود**

- ۲۲۶ ۱- اوضاع عمومی اورامان تخت  
۲۲۹ ۲- روستاهای اورامان تخت  
۲۳۲ ۳- اورامان تخت: مباحثی تکمیلی  
۲۳۶ ۴- ایلات و طوایف اورامان تخت  
۲۶۷ فصل دوازدهم: عشایر و طوایف کامیاران  
۲۶۸ ۱- اوضاع عمومی کامیاران  
۲۶۹ ۲- عشایر منطقه کامیاران

۲۸۱ **فصل سیزدهم: عشایر و طوایف بیجار (گروس) و قروه**

- ۲۸۲ ۱- اوضاع عمومی بیجار  
۲۹۱ ۲- عشایر و طوایف بیجار (گروس)  
۲۹۲ ۳- اوضاع عمومی قروه و عشایر آن

**فصل چهاردهم: عشایر کردستان و سیمای سیاسی و اجتماعی**

**منطقه (نموده‌هایی از اختلافات و سرکشی‌های عشایر) ۲۹۳**

۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان در اوایل سده بیستم ۲۹۴

۲- مصاحبه با سال‌خوردگان روستاها (آشفتگی اوضاع اجتماعی) ۳۱۴

**فصل پانزدهم: پهلویان با عشایر چه کردند؟ ۳۲۵**

پهلویان با عشایر چه کردند؟ ۳۲۶

**اسناد و تصاویر عشایری ۳۳۳**

۱- اسناد عشایری ۳۳۴

۲- تصاویر عشایری ۳۴۳

**منابع و مآخذ ۳۸۳**

فهرست منابع ۳۸۴

## مقدمه اول

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که مجموعه جهان را از نیستی به هستی آورد و قانونی کلی برای نظم کائنات ثوابت و سیارات و استمرار حیات کلیه موجودات، وضع نمود، و راهنمایی برای ارشاد و هدایت انسان‌ها در چگونگی زندگی و رعایت قوانین الهی فرستاد و بعضی را بر بعضی برتری داد و آنان را اولوالعزم نام کرد، درود نامحدود بر همه آنان باد.

این کتاب را که پیش‌رو دارید از حیث حجم مطالب و عکس و اسناد و سوابق، تقریباً نصف کتابی است که در سال ۱۳۷۳ به خواست استانداری کردستان و به فرمان و ابلاغ ریاست دانشگاه کردستان، در سطح وسیع و گسترده، برای استانداری تهیه و تنظیم نمودم. اما به دلایلی چند تلاش‌های بنده در این مرحله ناکام ماند و کتاب در کنجی به فراموشی سپرده شد. از جمله این دلایل می‌توان به تغییر مشی سیاسی، هزینه‌های زیاد در پیشبرد اهداف در نظر گرفته شده و شاید غیرممکن بودن بازگشت به فضای تاریخی گذشته اشاره کرد. پس از گذشت چند سال از جناب آقای رمضان زاده استاندار دلسوز و صادق و خوش‌نیت و پاک‌دامن کردستان تقاضا نمودم امر فرماید، نسخه‌ای از این کتاب را برای چاپ و در دسترس مردم نهادن آن، در اختیارم قرار دهند. این کار عملی شد و مدتی هم صرف حک و اصلاح و حذف قسمت‌های اضافی گردید.

برای انجام این پژوهش، طی مدت سه ماه در مناطق عشایری مریوان، اورامان، سقز، بانه، دیواندره، کامیاران و بیجار رفت و آمد داشته‌ام. در اکثر روستاها با اشخاص سالخورده و کسانی که مستقیماً با خوانین و رؤسای عشایر سروکار داشته و در تماس بوده‌اند و نیز با کسانی که به وسیله این اشخاص به نحوی مورد ستم



در برخی جاها با خان‌های باقیمانده در روستای محل سکونت خود و رؤسای عشایری که در شهرهای سقز و بانه و مریوان و دیواندره و سنندج اقامت دارند، مصاحبه نموده‌ام که تمامی آن سؤال و جواب‌ها در هشت نوار کاست ضبط شده و موجود است. این کاست‌ها حاوی اعترافات و افشاگری‌های رقت‌آور، اجحافات، ظلم و ستم‌های ناروا و غیرقابل باور، از تجاوزات و تعدیات مَلّاک آبادی، رؤسا و خوانین ایلات و عشایر است؛ که بسیاری از آن‌ها مناسب درج در کتاب حاضر نبوده است. لذا با حذف و اصلاح و تجزیه و تحلیلی قابل قبول، نتیجه‌گیری کرده و حاصل کتاب را جمع‌بندی نمودم.

کشاورزان و رعایا از یوغ ستم مالکان و نمایندگان و مباشرین ستمگر آنان و سران عشایر جابر و ستمگر<sup>۱</sup>، به‌عنوان مختلف تجاوزگر و بی‌فرهنگ نجات‌یافته بدون دردسر صاحب آب و زمین و کشت و زرع و خانه و کاشانه در روستا و شهر شده اکنون دارای تراکتور و ماشین بذرآفشانی و کمباین شده و اتومبیل‌های آخرین سیستم و گران‌قیمت را زیر پا دارند و فرزندانشان در بهترین شرایط در دانشگاه‌ها به تحصیل سرگرم‌اند. اما به شکرانه این همه نعمت خدادادی، اکثر و غالب آنان از درآمد هنگفت سالانه‌شان حاضر به پرداخت زکات شرعی نیستند!! (کشاورزان و رعایا) اعتقاد کامل داشته باشند که هیچ‌کس بدون خواست خدا نمی‌تواند در رفاه و آرامش باشد. همه این‌ها به خواست خداست، که هرچند گاهی قدرت حکومت و مملکت‌داری را به اشخاصی تفویض می‌کند و بعد به دیگری منتقل می‌نماید به مصداق مثل معروف «هرکسی پنج روز نوبت اوست». در این میانه‌ها، اشخاصی در پایین‌ترین پله اقتدار قرار می‌گیرند. اگر هر کس، از وزیر و وکیل و استاندار و فرماندار و شهردار و مالک و بازاری گرفته تا طبقات پایین‌تر، در حد خود وظایف شرعی و قانونی خود را مراعات کرده و بدان‌ها عمل کند و خدمتگزار مردم باشد و به حقوق کسی تجاوز نکند خدای تعالی را نسبت به خود و خانواده و نوه و نتیجه‌اش مهربان می‌یابد.

آنانی که فریب زرق و برق دنیا را خورده، از مقام و شخصیت ظاهری خود سوءاستفاده کرده، به ظلم و زور و رشوه‌خواری و گران‌فروشی و اذیت و آزار مردم می‌پردازند، دیری نباید که خشم خدا را لمس کرده و به‌عنوان مختلف خود و زن و فرزندانشان در خطر افتاده به مرض‌های مهلک و احیاناً تصادف توأم با تلف شدن و نقص عضو و «ثروت بادآورده را از دست داده» به سیه‌روزی و بدبختی و دربه‌دری خواهند افتاد.

<sup>۱</sup> مردم سنندج بعضی از خانواده‌های بزرگ و ملاکین سنندج را به خوبی می‌شناسند که در منزلشان زندان با انواع وسایل شکنجه از قبیل پابند، کف بند و یوغ را برای تنبیه رعایای سرکش خود داشتند، خصوصاً خانواده بزرگی که در اطراف دیواندره املاک داشتند.

به راستی این انقلاب سنگ محک بزرگی بود برای خانواده‌های بزرگ پوشالی و ثروت‌اندوزهای تجاوزگر به مال دولت و ملت. بسیاری از مردم به مکافات اعمال شنیع خود رسیدند و آرزوهای دورودراز را با خود به غربت و سیاه‌روزی یا به گور بردند. در همین سنندج، ملاکین بزرگی بودند که اگر حسن نیت داشتند و دست به دست هم می‌دادند و کارخانه‌های عظیمی را وارد کرده و راه‌اندازی می‌کردند هم مردم را به کار مشغول می‌کردند و هم خود صاحب کارخانه بودند و ثروتشان در حال ازدیاد و بهره‌مندی بود.

کسی را می‌شناختم که ۴۵۰ پارچه آبادی پررونق داشت و طبق وصیت، آن‌ها را بین سه فرزندش که به هر یک ۱۵۰ آبادی رسید تقسیم کرد که امروز نوه‌های آنان صاحب یک وجب از آن آبادی‌ها نیستند. این خانواده، لیره عثمانی را که رایج زمان بود با ترازوهای بزرگ پوستی توزین می‌کردند زیرا در حدی نبود که قابل شمارش باشد.

از زمان حکومت فرهاد میرزا به بعد، از خانواده اردلان دیگر کسی به حکومت کردستان نرسید. هر حاکم و فرمانداری که از مرکز تعیین می‌شد، اشراف و ملاکین بزرگ سنندج برای جلب نظر او و تقرب به او پیش‌دستی می‌کردند. (آن‌ها) تحف و هدایایی درخور شأن او پیشکش می‌کردند تا بدین وسیله مقام و تملکات خود را محافظت نمایند. او هم فهیم و بافراست بود، سیاست‌نگهداری و رعایت حال هر یک از آن‌ها را داشت، گاهی مقامی را از یکی گرفته به دیگری می‌سپرد. آن شخص (معزول) با تحف و هدایا و پیشکش به تهران نزد مقام بالاتری که برای چنین روزی در نظر گرفته شده بود، می‌رفت. او هم سفارش وی را به حاکم مربوطه می‌نمود. در بازگشت با جلب رضایت حاکم، شغل آبرومندی به او تفویض و واگذار می‌شد. در زمان قاجار، بازار القاب و عناوین و حق و حساب از این راه گرم بود. القاب و عناوینی که در این کتاب نام برده شده و ده‌ها لقب دیگر، همه را یا خود فرماندار وقت و یا با سفارش او، از مرکز برای اشخاص صادر می‌کرده‌اند. کسانی که به عناوین مختلف در جهت فراهم آمدن این مجموعه مرایاری داده‌اند، عکس و اسناد و شجره‌نامه‌ها در اختیارم نهاده و در مصاحبه‌ها شرکت نموده و به پرسش‌نامه‌ها پاسخ داده‌اند، و صمیمانه پذیرایی‌ها نموده‌اند (که تشکر و سپاس من نثارشان باد)، مرتباً از من می‌خواهند که این کتاب را چاپ کنم تا راهگشای تألیف پیشینه ایلات و عشایر دیگر استان‌های عشایرخیز کشورمان قرار گیرد. از اعضای محترم مرکز پژوهش‌های کردستان‌شناسی و معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان که اقدام به چاپ و انتشار این کتاب نموده‌اند، خصوصاً جناب آقای دکتر سلیمی و دوست عزیزم آقای مهندس سید طاهر حسینی که در

تصحیح و ویراستاری آن نهایت تلاش و کوشش خود را به کار برده، تشکر و قدردانی می‌نمایم. و زحمات بی‌دریغ سرکار خانم شه‌وبو شریعتی کارشناس انتشارات این مرکز را ارج می‌نهم.

**سید عبدالحمید حیرت سجادی**